

طبعیت و کویر کویر افسانه‌ای!

گزارش از : سید امیر طالبی گل

اواخر دی ماه ۱۳۸۵ است. بیشتر ارتفاعات ایران پوشیده از برف و سرما تا مغز استخوان نفوذ می‌کند به ویژه در حاشیه کویر باد میزبان شماست.

تیم عملیاتی تحقیقاتی کویرنوردان ایران وابسته به انجمن حامیان کویر ایران و سایت اینترنتی www.adventuretrips.ir مجهز به نقشه‌های مختلف توپوگرافی، ماهواره‌ای، زمین‌شناختی، GPS، و رایانه، اتومبیل‌های 4WD، موتورهای تریل پر قدرت، ابزار و لوازم مختلف حرکت، ناوبری، تجهیزات فنی ویژه شرایط خاص و تجهیزات کمپینگ و اقامت در کویر، و از همه مهم‌تر کوله‌باری از تجارب سال‌ها پیمایش بخش‌های مختلف کویرهای بکر ایران، آماده حرکت است. این تیم شامل دو نفر جستجوگر کویرهای ایران به اسامی سید احمد رونقی (سرپرست) و سید امیر طالبی گل (مسئول فنی) و حقداد نیک پرست (راهنمای محلی) می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ارتال جامع علوم انسانی

می‌دانید کجا را می‌گوییم؟ شاید آری! شاید هم نه! حتماً اسامی زیادی شنیده‌اید و یا بیابان‌ها و کویرهای زیادی را دیده‌اید و یا از آنها عبور کرده‌اید. کویر بزرگ نمک، ریگ‌جن، دریاچه نمک، مرنجاب، جازموربان، ریگ بلند، ریگ حاجی‌مچی، کویر درانجیر و ... که در ایران وجود دارند و کویرها یا به تعبیر جامع‌تر بیابان‌های بسیار وسیع و شگفت‌انگیز در نقاط مختلف عالم. بیابان تاکلامکان، بیابان‌های ماورای جیحون، صحرای بزرگ آفریقا، ربع‌الخالی در شبه جزیره عربستان، صحرای سینا، و ... که هر کدام از آنها مشخصات مخصوص به خود را دارند. همیشه در طی قرون و اعصار آدمی بر کرانه آن‌ها ایستاده و شوق گذشتن، دیدن و رسیدن به آن سوی دیگر در تن و جانش نقش بسته است. جهان‌گشایان، تاجران و یا کاروانیان دیروز و ماجراجویان، جستجوگران و کویرنوردان امروز بر

زمین یکی از مهم‌ترین آنها محسوب می‌گردد. تنوع و عظمت بعضی از عوارض آن در دنیا منحصر به فرد است. مرتفع‌ترین هرم‌های ماسه‌ای ریگ لوت ۴۷۵ متر ارتفاع دارد که بلندترین در دنیاست. در مقابل این هرم‌ها، حفره‌های بسیار گودی نیز وجود دارند که اغلب پرتگاه‌های مطبقی بر آنها مسلط می‌باشد که عمیق‌ترین آنها ۴۲۱ متر است. به گفته سون‌هدین جهانگرد و دانشمند معروف سوئدی: «بدترین جای کویر لوت قسمت جنوب شرقی آن بین بم و نه (نهبندان) بود که یکی از وحشتناک‌ترین نقاط زمین است. در آنجا باد شمال غربی، که حاکم بر این منطقه است، شن‌ها را جمع کرده و به صورت موج و تپه روی هم انباشته است. و جای این موج‌ها و تپه‌ها دائماً در حال تغییر است. خورشید سوزانی زمین را گرم می‌کند و آن را به صورت آهن گداخته در می‌آورد. بادی از روی این صدها کیلومتر مربع کویر سوزان می‌آید آن‌چنان خشک است که وقتی آدم و حیوان را غافلگیر می‌کند در یک آن تمام ذرات رطوبت بدن را به خود جذب می‌کند و تنها یک مومیایی چروکیده و سیاه بر جا می‌گذارد».

در غرب کویر لوت نیز کلوته‌ها قرار دارند. کلوته‌ها از شمال غربی به جنوب شرقی از یک سلسله جبال به طور مستمر و پشت سر هم تشکیل یافته که به شدت فرسایش یافته‌اند. این تپه‌های فرسوده از باد و باران با هسته‌هایی از رس فشرده دارای پوسته‌هایی هوازده



حاشیه این کویرهای دریا گونه ایستاده و نظاره کرده آنگاه کویر افسونشان کرده است و بار و بنه سفر برداشته و به راه زده‌اند، راه که نه، در واقع بی‌راه، به پهنه باز و وسیع و پوشیده از سنگ ریزه، ماسه و همراه با طوفان شن، تف و گرما یا سوز و سرما. این شرایط تغییر نکرده است و هنوز هم برای دیدن در کویر باید چشم‌ها را با دست سایه کرد تا کویر نبیند که می‌بینی.

«هنوز یک قرن کامل از رونق محمل سواران کویر لوت نگذشته و تجربه و مرارت‌های مسافری که برای سیر و سیاحت، زیارت و تجارت از این پهنه پرماجرا عبور کرده‌اند در خاک مدفون نگردیده است. لیکن لهیب افسار گسیخته ماشین و جایگزینی ابزار چنان برق‌آسا عمل نموده که انسان تصور می‌کند صدها قرن از این ماجرا می‌گذرد و آنچه باقی مانده در لابه‌لای کتاب‌های کهن در قفسه‌ها است و تقریباً علاقه‌ای به مرور این یادگارها باقی نمانده است و این بی‌تفاوتی یعنی بی‌اعتنایی به تمدن، فرهنگ، آداب و سنن»

این گزارش شرحی است از سفر افرادی ماجراجو و کنجکاو به کویر لوت، این وسعت خالی و بی‌انتهایی که شاید افسانه‌ای‌ترین کویر باشد.

مختصری راجع به بافت، زمین شناسی و اقلیم کویر لوت:

لغت لوت معنی برهنه و تپه‌ای است. کویر لوت یک بیابان واقعی است و یکی از خشک‌ترین و گرم‌ترین نقاط جهان است. سطح وسیعی از این بیابان فاقد پوشش گیاهی است و ماسه‌های روان سراسر آن را پوشانده است. وسعت آن حدود ۸۰,۰۰۰ کیلومتر مربع است. وسیع‌ترین ریگ و ماسه‌زار ایران به نام ریگ لوت با حدود ۱۰,۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت در کویر لوت واقع شده است که در مقایسه با ریگ‌های مهم دنیا در عربستان، آفریقا و ... اهمیت چندانی ندارد اما از نظر ویژگی‌های بیکرشناسی

می‌باشد که چون خاکی پف کرده سطح آن‌ها را پوشش داده است. کلوته‌ها قسمتهای کم تراکم به صورت تپه‌های متفرقه به شکل‌هایی بسیار بدیع در سطح صاف دشت دیده می‌شوند. به جز تپه‌های ماسه‌ای و کلوته‌ها اشکال و صورت‌های دیگری از کویر مثل نمک زارها، سطوحی از سنگلاخ، آبرفت‌ها و ... در لوت وجود دارد. این طبیعت و اقلیم متنوع و شگفت‌انگیز و رابطه و هم‌زیستی هزاران سایه انسان با آن سبب شده تا هاله‌ای افسانه‌ای نام لوت را در برگیرد. ما نیز سوار بر اسب آهنین قدم به لوت می‌گذاریم تا با طبیعت بکر،



نیز در این مکان را یافته‌اند. از دامنه چند قله به هم پیوسته به نام «گذار ریگی» می‌گذریم و پس از آن خود را در دشتی وسیع می‌یابیم. مسیر حرکت به سمت غرب است. در سمت راستمان (شمال جغرافیایی) شاه کوه سر به آسمان سائیده و در جنوب غربی کوه دندانهای «سیمرغ» به چشم می‌آید. پوشش گیاهی در حال ناپدید شدن است و تنها به صورت پراکنده بوته‌های «ژمس» روئیده‌اند. افقی گسترده و باز را پیش‌رو داریم، شن‌های بیابان رنگ‌های زیبا و مختلفی داشته و تپه ماهورها هر کدام به رنگی دیده می‌شوند. در مسیر جانوری ندیده‌ایم جز چند پرنده کوچک به نام «چکاوک» هدهدی». کوه کیود رنگ سیمرغ حال به وضوح در سمت چپ مسیر حرکت خودنمایی می‌کند و در سمت راست در دوردست کوه عبدالهی و قسمتی از کوه‌های اطراف معدن قلعه زری به چشم می‌آیند. در نور خورشید زمین به رنگ‌زرد زیبایی می‌درخشد، تپه‌ای زرد رنگ بر پیش روی ماست که بالا زرد نامیده می‌شود. اندکی بعد بر بلندایش توقف کرده تا اطراف را بهتر ببینیم و نام و وجه تسمیه آن را به خاطر بسپاریم. هر نقطه از کویر برای خود افسانه مهیجی داشته که نام آن را توجیه می‌کند.

در شمال غربی و در نور صبحگاهی، کوهی عظیم و سرخ فام مشخص است که «سرخ کوه» نامیده می‌شود. دوباره حرکت می‌کنیم، در مسیر دیگر گیاهی وجود ندارد، عوارض

پوشش گیاهی، حیات جانوری و معبر و گذرگاه‌ها، نشانه‌ها و عوارضی است که کاروانیان و مسافران آنها را نامگذاری کرده و طی سال‌ها از آن برای عبور از لوت بهره جسته‌اند بیشتر آشنا شده، تصاویر و موقعیت آنها را ضبط کنیم. برای آخرین بار همه تجهیزات کنترل می‌شوند. همه چیز! و این به این معنی است که هیچ شوخی در کار نیست! کوچک‌ترین اشتباه یا برنامه‌ریزی غلط، حتی به‌جای ماندن وسیله‌ای خرد و کوچک، چه بسا سفر را به تجربه‌ای تلخ و شاید ابدی بدل نماید! برنامه را بصورت اکسپدیشن برنامه‌ریزی شده و بدین لحاظ آخرین حمله را یک دستگاه لندروور به همراه موتورسیکلت تریل سوزوکی دی-آر شروع خواهد کرد. شروع حرکت و محل ورود به این پهنا باز، روستای «ده سلم» است و مقصد روستای «ده‌سیف» در نزدیکی شهداد در غرب کویر.

بنابر یک افسانه محلی: سلم و سیف، دو برادر یکتا پرست در میان قوم و تمدنی منحرف بوده‌اند و پس از اینکه عذاب خداوند بر این قوم نازل شد و تمدنشان زیر و رو شد، هر یک به سمتی رفته و در دو سوی کویر سکنی گزیدند. آنها قنات‌های زیادی حفر کردند و با جاری شدن آب زندگی آغازی دوباره یافت و این دو روستای سرسبز به وجود آمد. با هزاران نخل بلند قامت و مزارعی برای کشاورزی.

در بیشتر سفرنامه‌های قدیمی حتی کتب جغرافیایی قدیمی اعراب هر جا از لوت نامبرده شده است نام دهسلم نیز آورده شده است. این جا قدمتی دیرینه دارد و فراز و نشیب زیادی را پشت سر گذاشته گاه به عنوان روستایی آباد و پر رونق یا چند بازار و گاه روستائی متروک و رو به ویرانی. اما تا به حال به عنوان آخرین آبادی در مقابل هجوم کویر مقاومت کرده و همچنان به زندگی ادامه می‌دهد. بیابان اطراف دهسلم پوشیده از بوته‌های بزرگ «اشنان» است و در ابتدای مسیر و در حاشیه روستا به جریان آب شوری می‌رسیم که در بستر رودی خشک جاری است.

آب در این نقطه از زمین می‌جوشد و چند متر پائین‌تر دوباره در شن فرو می‌رود. درختچه‌های سبز گز و زلال آب جذابیت زیادی داشته و دسته‌ای مرغابی وحشی



موازی امتداد داشته و به هم نمی‌رسند. «کوچه» سالیان متمادی محل اتراق کاروان‌هایی بوده که در این مسیر تردد داشته‌اند. ما در طول روز حرکت می‌کنیم، اما در اغلب کاروان‌های قدیم روز را استراحت داشته و قبل از غروب آفتاب حرکت می‌کرده‌اند. به این ترتیب در مصرف انرژی و آب صرفه‌جویی می‌شده و از خنکای شب‌های کویر سود جسته و تا سپیده‌دم تا منزلگاه بعدی راه می‌پیموده‌اند.

حال آن دماغه برجسته دور، واضح دیده می‌شود و شکل‌های عجیب آن کاملاً جلب توجه می‌کند بین «کوچه» و آن برجستگی که به «پوزه گوش کال» معروف است دشتی شنی و خاکستری رنگ وجود دارد. آثار قدیمی جریان آب در دره‌های بین کلوت‌های «کوچه» به پایین دست دیده می‌شود. مقابل «پوزه کال» توقف می‌کنیم و جمله

دکتر «گابریل» کویر نورد معروف را به یاد می‌آوریم: «اینجا شهر لوت است، در مقیاسی بسیار وسیع با شیب عمودی. رسوبات رسی-ماسه‌ای تا ارتفاع ۱۰۰ متر در طبقاتی منظم به شکل پایه ستون، ستون و حصار تقسیم‌بندی شده و تصویری شبیه معماری کلوزیم در رم و معماری بازسازی شده بابل را عرضه می‌کند.» «شهر لوت» به اعتقاد مردم کویر زمینی به دست انسان ساخته و مسکون شده بود عصر هنگام بازی نور خورشید به این عوارض فرسوده طبیعی حالتی کهن و افسانه‌ای داده است. چند «غراب» در آن حوالی پرواز می‌کنند و انتظار می‌کشند تا غذایی باز مانده از



سطحی زمین حاکی از وزش بادهای با شدت و قدرت زیاد در این منطقه است. سطح بیابان را موج‌هایی از ماسه و شن به ارتفاع حداکثر ۴۰ سانتیمتر و طول ۴ تا ۲ متر پوشانده که به صورت هلالی و به موازات هم قرار گرفته‌اند. دانه‌های شن بین ۵-۲ میلی‌متر قطر دارند که در هیچ کجا ندیده‌ایم باد بتواند این دانه‌های درشت و تیره رنگ را به صورت موج‌های پیایی روی هم انباشته کند. از بین چند کوه کوچک در حال عبور هستیم، ناگهان با جغدی روبرو می‌شویم که بر بلندی نشسته است و ما را می‌نگرد. اندازه‌ای متوسط و چشمانی زرد رنگ دارد. در همان اطراف ردپا و آثار زندگی روباه شنی را نیز می‌یابیم. وجود این جانوران بسیار تعجب‌آور بود. آنها بدون وابستگی به آب در دل خشک و برهوت کویر یعنی جایی که به جز مارمولک شاید هیچ جانور دیگری حتی عقرب، مار و موش هم وجود ندارد، چگونه تغذیه کرده و حیات ادامه می‌داند؟

پس از عبور از این تپه‌ها و کوه‌های فرسوده در مقابل ما افقی بسیار وسیع قرار می‌گیرد. با حرکت به سمت جلو در حال کم کردن ارتفاع هستیم. در فواصلی دور

دیوارهایی دیده می‌شود که همانند ساحلی مرتفع و صخره‌ای دردل دریای کویر پیش رفته است. خورشید در مرکز آسمان است و ما در مرحله به نام «کوچه» توقف می‌کنیم، که به علت محصور بودن مسیر میان دو ردیف تپه مدور که به خانه‌های مسکونی شباهت داشتند به این نام معروف بود. آبروهای طبیعی در دیواره دو سوی آن شیارهای منظمی ایجاد کرده که حتی در پائین دامنه هم به طور



این همه زیبایی و شکوه کلوت‌ها! مدتی بعد از حرکت به «کال شور» یا «رود شور» می‌رسیم. این رود که رود مهمی است آب کوه‌های اطراف «بیرجند» را از میان بیابان وسیع با قوسی به سوی غرب به «گود نمک سر» می‌آورد. در این محل نمک به صورت لایه‌های فشرده ضخیمی ته‌نشین می‌شود و در زمان گذشته ساکنان «خبیص و ده سیف» آنها را جمع‌آوری می‌کرده‌اند. این رود در برخی از مواقع غیر قابل عبور است حتی برای اتومبیل‌های پر قدرت بیابانی. علائم ایستایی آب نشانه توده عظیم آبی بوده که به این رود می‌ریخته است. پس از کال شور بر تراکم تپه‌های کلوت افزوده می‌شود و آن‌ها مرتفع‌تر شده و شکل‌های عجیبی پیدا می‌کنند. در اینجا محلی «باغ اسد» نام دارد و یک نقطه چشمگیر کلوت‌ها «پنج انگشت» خوانده می‌شود.

تپه‌ای موسوم به «دو دوانک» است که توضیح آن را چنین بیان کرده‌اند: «وجه تسمیه این تپه به رسمی مربوط می‌شود که در قدیم میان کاروانیان معمول بوده است و افراد کاروان به هنگام ورود به این محل به نوعی مسابقه دو می‌پرداختند (دو دوانک = بدو دونده کوچک) شرکت کنندگان ضمن اینکه سعی می‌کردند از یکدیگر سبقت بگیرند، دوان دوان از تپه‌ها بالامی‌رفتند و کسانی که عقب می‌مانند مبلغی پول به برنده می‌پرداختند و حتی افرادی که به سبب کهولت و یا علل دیگر در مسابقه شرکت نمی‌کردند، می‌بایست مبلغ ناچیزی به عنوان جریمه بپردازند. هر قدمی که در کویر طی می‌کنیم بیشتر به مضمون جمله «کویر بخش پر رمز و راز طبیعت است.» پی می‌بریم. پس از رد کردن کلوت‌ها این نگهبانان غول پیکر دشت دوباره به بیابان قدم می‌گذاریم و به سوی جنوب پیش می‌رویم. در سمت راست کوهستان سر به فلک کشیده و سپید پوش و سمت چپ کلوت‌های گرم و تفتیده و روبرو زمینی صاف و یکنواخت که گیاهان نیز هراسناک از گرمای تابستانش سر از خاک در نمی‌آورند. اما نه!

ما نصیبشان شود و شاید هم خود ما! از شهر لوت به بعد کلوت‌ها آغاز شده و به مرور متراکم می‌شوند. زوزه باد تنها صدایی است که به گوش می‌رسد. دوباره ادامه مسیر می‌دهیم تا غروب خورشید را در بین کلوت‌ها تماشا کنیم. هنگام غروب کوه‌های فلات مرتفع کرمان در افق ظاهر می‌شوند. رشته کوه عظیم «پلوار» با قلل رفیع و پوشیده از برف حاشیه غربی کویر لوت را همانند حصاری در برگرفته و از هجوم توده هوای گرم لوت به سمت کرمان و داخل ایران جلوگیری می‌کند. ایستاده‌ایم و خورشید بسان مغناطیسی عظیم آخرین ذرات نور و روشنایی را به پشت کوه‌های دور می‌کشد. کلوتی با ساختاری عظیم و دیوار مانند را نظاره می‌کنیم که آنرا «گوجار» نامیده‌اند. «گوجار» به عنوان محل اتراق زیاد مورد استفاده بوده و کاروانیان با رسیدن به آن در می‌یافته که نیمی از مسیر را پیموده‌اند. باز هم گیر می‌کنیم ولی این بار چیزی فزون‌تر از گل باتلاق و ماسه شن‌زار است! جابه‌جایی دنده کمک‌ها هم هیچ تأثیری ندارد! در خاکی بس نرم فرو رفته‌ایم! اسب آهنین بر خاک سست سوار شده و گویی چنان آرامش یافته که دیگر کسی را یارای جنباندنش نیست! به سراغ جک بادی می‌رویم که مخصوص چنین مواقعی است، آن هم نیست! شاید در گوشه‌ای از دست اندازه‌های کویر از بالای باربند به پایین افتاده باشد! بی‌سیم جواب نمی‌گوید! تریل را از یکسک آزاد می‌کنیم، استارت می‌کنم ولی آن هم سرناسازگاری با ما دارد چرا که روشن نمی‌شود! سکوت وهم‌انگیز می‌شود! همه به یک چیز می‌اندیشیم و آن سحر و افسون لوت است که به ما می‌فهماند چه مغرورانه پای به خلوت پاک کویر گذاشته‌ایم و رؤیای فتح آنرا در سرگذرانیده‌ایم. از غرور توبه می‌کنیم و به خلوت آرام کویر پناه می‌بریم، می‌اندیشیم! و نجات می‌یابیم!!

شب است و آرامشی عمیق و با شکوه بر لوت حکم فرما شده و ما افسون شده به سوی آن کشیده می‌شویم. فردا باز هم در دنیای بی‌جانی که وجود یک لکه سبز یا یک چشم در آن رؤیاست به راه خود ادامه خواهیم داد. یک صبح عالی، هوای صبحگاهی تازه و خنک است و باد می‌وزد. با طلوع خورشید هوا رو به گرمی می‌نهد. تریل را از ماشین جدا می‌کنیم و به اندرون عظمت کلوت‌ها می‌تازیم. اینجا دیگر کمترین نشانی از ماسه‌های بادی نیست ولی به‌جای آن همه جا از ماسه‌های درشتی باندازه یک نقل، پوشانیده شده است و بلد ما بیاد می‌آورد که در طوفان‌های سهمگین حرکت آنها را به چشم دیده است. کاروانیان برای رهایی از برخورد این ریگ‌های درشت و سنگین شترها را حلقه وار می‌نشاندند و خود در میان آنها از این خشم بی‌امان طبیعت پناه می‌جستند! طوفانی که گاه تا چندین روز ادامه می‌یافت! موتور پر قدرت ما در میان این دریای ماسه بسان قایقی پریشان ره می‌پیمود و ما مدهوش



در افق سبزی به چشم می‌خورد. در نزدیکی روستای دهسیف بوته‌های گز و طاق پدیدار می‌شوند. گزها تشکیل «نیکاهای» بسیار بزرگی داده که در نوع خود کم‌نظیر محسوب می‌شوند. این گیاهان در منطقه‌ای وجود دارند که از آب‌رفت کوه‌ها پوشیده شده است. و در مسیر آثار رودخانه‌های فصلی

و آبروهای فراوانی به چشم می‌خورد. دهسیف، شفیق‌آباد، ... و شهداد در کنار کلوت‌ها هنوز به زندگی ادامه می‌دهند. دهسیف دارای قلعه‌ای قدیمی با برج‌های بلند و مزین به آجرهای زیبا و جالب است. پس از گشت کوتاهی به راه ادامه داده و شب هنگام به انتهای این سفر رسیده و وارد شهداد «خبیص» می‌شویم. خسته از سفری در قلب کویرهای فلات مرتفع ایران و با فکر و ذهنی آکنده از خاطرات به یاد ماندنی قدم گذاشتن در کوره راه‌های بی‌انتهای کویری ایران ما.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع